

گفت‌وگوی «جوان» با هم‌رزم شهید اصغر وصالی پیرامون فعالیت‌های انقلابی وی

۱۳ عملیات مسلحانه و صالی ساواک را سردرگم کرده بود

علیرضا محمدی

شهید علی اصغر وصالی تهرانی فرد معروف به اصغر و صالی فرمانده گروه دستمعال سرخ‌ها و از اولین فرماندهان شهید دفاع مقدس بود که ۲۸ آبان ۵۹ در دومین ماه شروع دفاع مقدس به شهادت رسید. اصغر وصالی اما سابقه طولانی در فعالیت‌های انقلابی داشت. آن طور که سیدمهدی حسینی از محققان و پژوهشگران انقلاب و دفاع مقدس می‌گوید، او از سال ۴۲ فعالیت انقلابی را آغاز می‌کند و از سال ۵۲ تا سال ۵۷ به مدت پنج سال به زندان می‌افتد. حسینی در یادگان ولیعصر (عج) تهران با وصالی آشنا شده بود و بعد از شهادت او تصمیم می‌گیرد تحقیقاتی در خصوص این فرمانده شهید انجام دهد. به مناسبت همزمانی با ایام الله دهه فجر، گفت‌وگویی با حسینی پیرامون فعالیت‌های انقلابی شهید وصالی داشتیم که شما را دعوت به خواندنش می‌کنیم.

از راست شهیدان وصالی و صالی در روز شهادت



همان اوایل دهه ۵۰، وصالی یکبار دستگیر و آزاد می‌شود. بعد مجبور به خروج از ایران می‌شود. از طریق ارتباط‌هایی که سازمان مجاهدین با نیروهای فلسطینی داشتند، وصالی برای راهی از دستگیری مجدد به لبنان می‌رود و بین رزمندگان فلسطینی آموزش می‌بیند. بعد مجدداً از طریق افغانستان به ایران برمی‌گردد.

چرا اغلب انقلابی‌ها در بازگشت به ایران از شرق کشور اقدام می‌کردند؟ یک گذرگاهی را افرادی مثل شهید اندرزگو و شهید منتظری و افرادی از این دست در مرز سیستان و افغانستان ایجاد کرده بودند که مبارزان انقلابی از آن طریق از کشور خارج یا وارد می‌شدند.

فعالیت‌های وصالی بعد از بازگشت به ایران معطوف چه اقداماتی بود؟ وصالی از سال ۵۱ که به ایران می‌آید تا فروردین ۵۲ که دستگیر می‌شود، ۱۳ عملیات مسلحانه انجام می‌دهد. این عملیات برای ساواک بسیار گران تمام شده بود. من برای تحقیقات راجع به این بخش از مبارزات ایشان مطلبی را که در گفت‌وگو با اصغر وصالی در یکی از نشریات اوایل انقلاب چاپ شده بود خواندم. آقای مهدی ملکشاهی خبیانی معروف به مهدی‌الکتاب از دوستان وصالی را از طریق همین مطلب پیدا کردم. مهدی‌الکتاب هم در جریان عملیات مسلحانه وصالی بود و هم در زندان با هم بودند. ایشان اطلاعات خوبی از مبارزات مسلحانه شهید وصالی در اختیارم گذاشت. به عنوان نمونه شهید وصالی مجسمه شاه را در چهارراه مخابرات تهران مقارن با جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی در مرداد سال ۵۱ منفجر کرده بود. یا خانه مهاجران اسرائیلی در خیابان فلسطین کنونی را که اتفاقاً سفارت فلسطین هم آن‌جا قرار دارد، منفجر می‌کند. کلاً وصالی به همه اهداف آمریکایی یا اسرائیلی در تهران حمله می‌کرده است.

چطور مجدداً دستگیر می‌شود؟ آن دسته از انقلابی‌ها که به جمع فلسطینی‌ها

مشترک ضد خرابکاری و سپس در زندان قصر می‌گذرانند.

در تحقیقات‌تان به چه نکاتی از حضور این شهید در زندان رسیدید؟ بعد از انحرافی که در سازمان مجاهدین خصوصاً در زندان صورت می‌گیرد، شهید وصالی با اعضای این گروه درگیری زیادی پیدا می‌کند. حتی گویا با خود مسعود رجوی هم درگیری می‌شود طوری که بعدها پس از پیروزی انقلاب) سازمان به دنبال شهید وصالی بود و بعد، وصالی با روحانی مبارزی چون آیت‌الله

اصغر و صالی تهرانی فرد



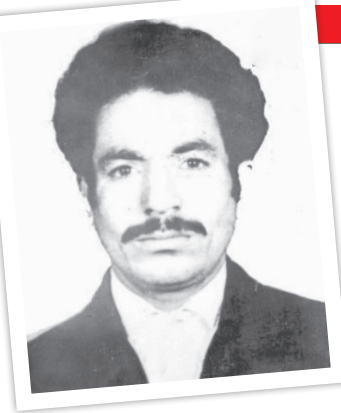
شهید وصالی در کنار شهید جوان

رئیس‌الملشی ارتباط زیادی برقرار می‌کند. شهید وصالی در محضر ایشان فلسفه و فقه و نهج‌البلغه می‌آموزد. آشنایی با روحانیون مبارز در ادامه فعالیت‌های انقلابی شهید وصالی تأثیرات عمیقی می‌گذارد. وصالی یک شخصیت تسلیم‌ناپذیر بود. هیچ وقت مقابل مأموران کوتاه نمی‌آمد و در همه حال فریض دینی را هم انجام می‌داد. جالب است که سال ۱۳۵۵ یک نامه به رئیس دادستانی از تن می‌نویسد و از اینکه سرگرد حیایی رئیس زندان شماره یک قصر (زند سیاسی) شرایط سختی را برای روزه گرفتن او فراهم کرده بود، شکایت می‌کند و از او می‌خواهد به این موضوع رسیدگی کند. من متن این نامه با دستخط خود شهید وصالی را پیدا کردم. مطالب جالبی دارد و نشان می‌دهد که تعبد مذهبی اصغر وصالی تا چه میزان بوده است. همین توجه او به امور مذهبی باعث شد تا در مقابل انحراف سازمان و گرایش برخی از اعضای آن به تفکرات چپ و مارکسیستی موضع‌گیری کند.

شهید وصالی بعد از پیروزی انقلاب از زندان آزاد می‌شود؟

نه ایشان تقریباً مهرماه ۵۷ آزاد می‌شود. آن زمان رژیم برای اینکه نشان دهد سعی دارد با مردم مدارا کند، یک‌سری از زندانی‌های سیاسی را آزاد می‌کند. خود شهید وصالی هم در یک جایی اشاره کرده که در کمیته استقبال از حضرت امام بوده است. البته او در این کمیته کارهای حفاظتی انجام می‌داد. کلاً شهید وصالی در کارهای اطلاعاتی تبحر خاصی داشت. وصالی پیش از پیروزی انقلاب به شناسایی ساواکی‌ها و مأموران رژیم می‌پردازد و بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب آنها را تعقیب، زندانی و بازجویی می‌کند. بعد از اینکه حضرت امام به ایران برمی‌گردند و در مدرسه علوی مستقر می‌شوند، اغلب گروه‌های انقلابی حول محور این مدرسه خانه‌های تیمی تشکیل می‌دهند و آنجا مستقر می‌شوند. وصالی هم آنجا بود و در دستگیری برخی از سران رژیم نقش ایفا می‌کند اما چون کارهای اینها اطلاعاتی و حفاظتی بود خیلی از آنها نام برده نمی‌شود. ۱۰ اسفند سال ۵۷ که امام به قم می‌روند، گروه‌های حول محور مدرسه علوی هر کدام به یک جایی می‌روند. یک عده به زندان اوین و عده دیگر به زندان قصر می‌روند و آنجا را مرکز فعالیت خود قرار می‌دهند. همان گروه‌هایی که بعدها با هم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را تشکیل دادند. در مجازات پس از ۱۰ اسفند ۵۷، شهید وصالی همراه حاج‌مهدی عراقی به زندان قصر می‌رود و ادامه روند تعقیب سران و مأموران رژیم را آنجا دنبال می‌کند. سپس با تأسیس رسمی سپاه به یادگان ولیعصر می‌آید و اطلاعات این با دادگان را تشکیل می‌دهد و فعالیت‌هایش را در تعقیب گروه‌های ضد انقلاب مثل گروهک فرقان و باقی‌مانده مأموران رژیم، ادامه می‌دهد. از خرداد تا مرداد سال ۵۸ که ضدانقلاب تعدادی پاسدار را در مریوان سسر می‌پرند، وصالی به صورت مقطعی کارهای اطلاعاتی را رها می‌کند و همراه یک گردان به کردستان می‌رود. آنجا نام دستمال سرخ‌ها را می‌گیرند و سپس ماجرای محاصره پناه و آزادسازی محور بنامه - سردشت و... یکی پس از دیگری رخ می‌دهد و به شروع دفاع مقدس و شهادت وصالی در تنگ‌هاجان گیلانغرب منتهی می‌شود.

یادکرد



اولین شهید انقلاب در کردستان چه کسی بود؟

کفن پوش فریاد می‌زد رهبر من روح‌الله است

آرمان شریف

در روزهای پرتلاطم سال ۱۳۵۷ مردم تمام ایران برای سرنگونی حکومت پهلوی و برقراری حکومت اسلامی از جان و مال‌شان می‌گذشتند. از غرب تا شرق و از شمال تا جنوب ایران، فریاد آزادخواهی مردم بلند شده بود و همه یکصدا خواهان استقرار یک حکومت تازه به رهبری امام خمینی (ره) بودند.

محله سریش‌آباد، جایی که به «قم کردستان» مشهور است، در طول دفاع مقدس نیز مردمی ایثارگر داشت. مردم این شهر از دوران انقلاب جانفشانی‌های زیادی برای مقابله با ظلم و دفاع از حق و حقیقت انجام داده بودند. شهید خیرالله مؤمنی یکی از انقلابیون بود که در جریان مبارزات مردمی وارد میدان شده بود و با عشقی وصف‌ناشدنی خود را سرباز امام خمینی می‌نامید.

دوستان شهید تعریف می‌کردند مؤمنی ثمره زندگی‌اش سه فرزند پسر و یک دختر بود. در شب دوم ماه محرم مصادف با دوم آذر ۵۷ در تظاهرات مردمی به اوج رسیده بود و از شجاعانه کفن به تن می‌کرد و با کفن خود را برای شهادت آماده کرده بود. مردم در شب دوم محرم سال ۵۷ آماده برگزاری عزاداری امام حسین (ع) بودند اما مأموران اجازه برگزاری مراسم را نمی‌دادند. آن روزها مأموران شاهنشاهی هر گونه عزاداری برای سیدالشهدا (ع) را ممنوع کرده بودند. جمعیت حاضر در مسجد با پوشیدن لباس سیاه در مراسم عزاداری امام حسین (ع) و یاران آن حضرت شرکت می‌کرد و به سر و سینه می‌زد. شب هفتم ماه محرم را هر سال در منزل مراسم عزاداری برگزار می‌کرد و هیئت عزاداری را به خانه خود دعوت می‌نمود.

در سال ۱۳۵۷ که آتش انقلاب مردم ایران شعله‌ور شد، خیرالله با چنین روحیه‌ای با هم‌میدان گذاشت و تمام وجودش را در راه مبارزه با حکومت شاهنشاهی گذاشت. در



شهید مؤمنی با تمام وجود به امام حسین (ع) عشق می‌ورزید و در ماه محرم با پوشیدن لباس سیاه در مراسم عزاداری امام حسین (ع) و یاران آن حضرت شرکت می‌کرد و به سر و سینه می‌زد. شب هفتم ماه محرم را هر سال در منزل مراسم عزاداری برپا می‌کرد و هیئت عزاداری را به خانه خود دعوت می‌نمود.

۷	۶	۸	۵	
۴		۲	۸	۶
		۷		۴
		۸		۵
		۱	۲	
		۲		
		۶	۹	۸
		۳	۶	

جدول سودوکو

ارقام ۹ تا ۹ را طوری قرار دهید که

در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۶۴۱۹

۷	ب	۷	۱	ا	۸	س	د	ا
ا	۸	ا	د	س	۷	۱	ب	۷
س	۱	د	۷	ا	ب	۸	۷	ا
۸	ا	ب	۷	۱	ا	ا	ب	۸
۷	د	۷	ا	ا	ب	۸	س	د
۱	س	ا	ب	د	ا	ب	۷	۷
د	۷	س	ب	۷	۱	ا	ا	۸
ب	۷	۱	ا	ا	ب	۸	س	د
ا	ا	۸	س	د	۷	۱	ب	۷

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
ح	د	ب	و	ش	م	۱	ن	ا	۱	۱	۱	۱	۱	۱
ر	ش	ک	ر	ع	م	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱

جدول کلمات متقاطع

جدول

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱

از راست به چپ

- ۱- پایتخت قدیم مراکش - مهم‌ترین مرکز زیارتی شیراز
- ۲- زین و برگ اسب - دو استقامت - سست و وارفته
- ۳- باعث بروز بیماری می‌شود - آنزیم لوزالمعده - گردنبند مروارید
- ۴- پیشوند دهه‌تایی - جای پنا - بندگاه میان ساعد و بازو - خواب را لذتبخش می‌کند
- ۵- همراه ناله - اندازه لباس - کجاست؟ - خزانه‌دار
- ۶- اکومولاتور - شگرد - صدای عدالت
- ۷- حوله حمام‌های قدیم - شجاع - لخت - به دنیا آوردن
- ۸- اخوی - سنجش
- ۹- نیم ساعت - حرف نفی عرب - از نوشت افزار - همراه تب
- ۱۰- چایارخانه - مغز انسان - دگرگونی سیاسی
- ۱۱- بی‌ریا - سوسن زرد - روزه سگ - یک و یک
- ۱۲- ظرف چوبی حمل مصالح - شهری در مازندران - شهر ایستاده - مظهر استواری در طبیعت
- ۱۳- پشت سر - روش - بیماری افریقا
- ۱۴- سوی و طرف - معادل فارسی کادر - همیشگی
- ۱۵- شبه‌جزیره‌ای در شمال اروپا - صدای کالی

از بالا به پایین

- ۱- صاحب زمین و رعایای بسیار - با نام باروخ، فیلسوف هلندی قرن هفدهم
- ۲- تخت - کرم روید
- ۳- همراه دارا - طولانی‌ترین رشته کوه دنیا - شهر هلن
- ۴- پرده خرامان در آب - کشور داکار - کلمه شگفتی - قلب دوم
- ۵- توهم دیدن آب در بیابان - حیوان اهلی - از ضمایر اشاره
- ۶- جمع کردن - الهه جنگل - جانوری که حرارت بدنش با حرارت محیط تغییر می‌کند
- ۷- خس خس سینه - پیامبر زمان گشتاسب - از ماه‌های میلادی
- ۸- قهوه‌خانه فرنگی - شامل همه - راه نافرجام - ستاره پیشین بایرن مونیخ و ملی هلند
- ۹- بیروانه - بلندرچین - سرمربی تیم ملی کشتی فرنگی
- ۱۰- الکل سفید - جاروجنجال - اولین نت
- ۱۱- از حروف ابجد - سرخ‌نای - پایتخت پرو
- ۱۲- مخفف چند - گوشه‌نشین شطرنج - سالن - نایسند
- ۱۳- سیاهی شهر از دور - فلز آلوده‌کننده هوا - سید بزرگ حمل میوه
- ۱۴- بیزاری و تنفر - قهرمان جنگ ترا
- ۱۵- کسی که ظاهر و باطنش یکی نیست - همسایه کوبا